

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



درخواست مطابع بانک ایران برای استفاده مطبوعات



1915000

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحُمْرَاءُ الْمُكَبَّلَةُ الْمُكَبَّلَةُ الْمُكَبَّلَةُ

بعد از محمد خاتم عالم و در دو سروری آن مصلحتی اصیلی داشت که اهل بیتی همچوی مطہرین  
لرزیدند از این میگویندند که شاه محمدزادی ولد شیخ از زمان های نسیمی خاک را آل محمد پس از  
علیه و ای الصادق و اسلام که اگر حکمران توانست این امور را انجام داد نیز برور فردی کا  
جهت نیز پیش از این کار بجانی رسانید که توانند قوای این مردم خوشبختی ایشانی نمایند فاما همچنان که بخطاط  
فاطران عاصی صاحبی مده برآ فایده خواهم بار قام او را باعین نامه مرسوم ساخت تا بنده  
از جمله خبریم که بین فارشی تجهیزاتی خاصی نمایند و از روز مرثه ضروری بهره مافته ایشان خواهد بود  
با درسازند میتوانند این مسئله را باز هم میگیرند و از این طبقه میتوانند این مسئله را باز هم میگیرند  
باب و مدرسه مسمای ایشان که اکثر در شهر و تقریباً هم عالم می آیند و فیضین پر کنند  
ازین همکاری باید بجهت برداشتی عالم مکتبه ایشان را باب دو مدرسه در سار عالم و موسسات  
و اوقافات و اشیاءی عالم را سلوک مدرسه های حركات و سکنیات و کارهای عالیه ایشان  
او زمانی آزادانه نهاده از افعال شکوهی نمایند بطرائق این نامه باید بحصار مدرسه ایشان  
و اتعاب بر عاید مراتب اعلیٰ داری و اوصاف مدرسه ایشان را بخدمت در فعالیت دین و انجات و دین



شیخ زاده از این مکانات کوچکتر است و در شیخ زاده هم معمول است که در پایان سفر از این مکانات بگذرد و از آن پس مسیر را  
پنهان کرده و در این مسیر از مکاناتی که در مسیر از پیش مذکور نبودند بازدید کردد.

د وران پېپەن مەكتەپىشل مەجاپەن بىرمەنخەن مەھفل مەنجىم خەنپەه خۇسۇت حەصاچىپەن  
دەستتاران اۋەستىان كەتىپىشل مەجاپەن بىرمەنخەن مەھفل مەنجىم خەنپەه خۇسۇت حەصاچىپەن  
ئەنۋەنغانە ۲۰۳ تىبائى زىدلە ۲۰۳ تىبائى خەنپەه ۲۰۳ قىلغۇنە

قلعه معمور آن داده ای داشت بیدا مامون شاه  
نه بتایز نه جگل نه سه هم بکه

بادیهایان پنجه بر تدریس زندگی وادی فصل سیوم در همان قصر و سیاوش با کارجای  
۱۴ نامه ۳۲ آذر ۱۳۹۵

تعزیه دار و مکان محل جایی بقیه مکننہ ایوان کلخ قصر شکوهی دروده کو شدید شہستان  
عزمیه غربیان زمین کوئی نہیں میلان محل ۲۲۵

تھانہ شیانہ کا نامہ مانشہ شیان سری عمارت تعمیر کرنے کا نامہ با صد اربع  
عمر ۲۳ میں بھائیہ لئے۔ لکھا دو صفر تک لٹھی کون بلاغہ ۲۴

شوارخ روشنان پرده سرگرد هنر و فن تحقیق جلیل بک نعمت حبیب  
جلد اول دیگران بگویید و مخواهیم از چونانه نیکیا  
شوارخ روشنان پرده سرگرد هنر و فن تحقیق جلیل بک نعمت حبیب

نیاز ب محکم استان هستا نه عذری سه وزرداران سلم صنایع آبروز افتخار پسر

و اسحاق ارجمند پرچم کار و حسن صحن ساخت میدان و دن اننه و دن بیرون میخواهد

لوجه برزن طریق سبل حاد هنر منج شایع سکه را هم سلک سماک مذهب نسب  
۲۳ ۳ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

گرگز منقد مثلث محرومی سلیمانی مسجح کرد و درسته براند باشند لایت زر  
سازها سرمه نو پیکل کارهای چهارشنبه ۲۰ خون اویخا ۳ نوروز  
فردا شب پائیش فرو و فراز غوک مغایل غار کرد و همان کننده هموارا نامه فصل هارم  
۲ همچه ۶ بلند گراماهم ۲ پیلا ۱۱ منارد ۴ براز ۷ شمشاد ۴ پیکل  
جهات جهت سمت سوی طرف جزو عازم حضور شترن غرب بشترن مغرب شما  
۴ ۲ ۳ ۳ مجمع ۵ ۷ ۸ افراز ۶ ۹ ۱۰ براز ۷ ۱۱ بیکت  
برست همچو کر نم قابل رو رکه راست پینه سار را رسید پی عوت قدیم ساقیش  
۲ داشتند آینه ایان ای ایان ای ایان بیکه ایان بیکه ایان ۲ کام

لعدیش حیث فوق تجت مانین میر خلف قدام فصلیح جسم اسماء وفات عجمد دست

آن پاس روزنما شش بیل هلهه الفده لیلاید شنگلکر صح سگا و سحر علی الصباح مدد و ماده  
گهر نهاده از این روزنما شش بیل هلهه الفده لیلاید شنگلکر صح سگا و سحر علی الصباح مدد و ماده  
وقتی صیرین سگام آوان زمان دور دو زان و هر فرگار عصر و مراسم ایام مسخر خط ساعت  
دو نهم ۵ زمانه ۲۰۰۷ ۵ ۶ - زان هم جمع بودم ساعت  
نهاد طبعین

شام مسماه روز مرد نیز پرورد فردالسیس فرد اشتباش مشبب دشیب دوش پر شیش تندخ  
شام هم ۲ آج، کل کادن پرسوون کل ها را نون رات، چهارگز رات، کل غیره این همه  
سلیمان خود و حضیل ششم در سعادت فرد اشتباش مشبب دشیب دشنه چهار شنبه خشنده جمجمه  
پاندرات، او از همینها منفلک، بعد از بجهلات و خدا

فصل سیم و سهاده شهر خرداد ماه هجری مخصوصاً مطلع بر صحنه از اول پیش از اتفاق

سید علی بن ابی طالب علیہ السلام رحمة الله علیہ و میراثه علیہ السلام

دی قند و چه فصل ششم دل سما و شهری فور دی اردی بیست خود او تیر مردانه  
بیکاریم جهود اسما و سماون

شیخ در میرابان آذربایجان سفندار فضول نهم در سعادتی شیرین دست و هر صد سال مهال دیگر  
کنوارز، کالن، آتش، پس، پلکان، بخت ۱۷.  
آنده دست دارم دو ام دانم دایم اعلی الدهام تجیشه پیوسته مخلص استاد همواره حاوی در هر صد  
سال مهال دیگر عرضه شده است ۵ ۴ ۸ ۱۰ ۹ ۱۱ عرصه ۱۲.

حالا بالعقل النوبان ونفع رصد نو حادث ایام عرض صد و سی از لندن در شمارش شهر فجر  
بیان ۳۰ مه ۱۹۴۶ نیایم ۳۲ مه ۵ لومباردن ۵۲۲ سلت

فیامست بزرگتر شده و فضل و حم و رحیم و سه همای صیغ کرمان استان سیرماش افغانستان  
و گذر ایوان و آن توالی ۳ جبارا ۲۳ بینات

برنیکان بہار مهر کان فضل لازم دار سماں احلقت عالم کے آن چند وجہت سماں میں سو رئے  
نحو خواہ: پیدا رہا: اسلام: ایمان:

ارضی اشی ای فرط مخلوقات ارضی بزرگ ترین هست چهارم و سیما و حوتان او این پنجم خالی زخم عجیب

و هر خلوق را باعتبار غالبیت مخصوصی بان نام مندین قسماً هم نقلم می‌آییم لغتم سنتی و فصل

بیادش فصل و وزن هم را فلکه کرد و آن بیزمان آسمان پر جرم عربون فرف لامکان امشتو

گرسی هشت چندت فرد و سخن را نهادم اور اقرار صحته حضوران را رسیدم اعلام اعزام همایوں و حضور مسیح ہادیت  
نامہ ہست مکان و نیاز، کو اعام افتابیم میکاری

سفر نار و زرخ دار ایور است غل سافنر چمیز مهر براز مرشنه هامسح او صدای کن که باو شن

لطف دار و فرشته ملکه ملائک روحانی خداوند سبوحی کرد لبی جبریل میگاییل سرمهیل

غزارشیل سما و نهاد هنری کو خود سبیل تنیم باز بین اسما مقامات ناسو ملکوت  
۲۱

جبروت لا بیوت اسما و آن خم آفتاب خود شد خور مهر مهور شمس همه با این  
۱۳۹۵ نهم ۲۰ شهریور ۱۴۰۰

بدر چال سخنگو کوک عطارد د بیشتر پید چون خ بیز زبره میخ بجز ام شهری حمل نزل  
م ۵ ستاره ۱۷۵۰

تیجان تھیں پر وین بنا تیغش کیکشان فردان کو اک بخوم فصل بہزاد

کوکار بر ج حملی بوژوز اسرطان آپنے سنبلاں میراں عقرب فوس حصی  
۱۲ نومبر ۶۹

لوجه فصل حماه و همچنان خلقت هواي هواي انسان صبا صر صرم مگدا  
۱۲

منبع طایر رنده های امیر قشنه عتمام موسی تبارگیک تدوین زمانی در این طاوس  
۱۴۰۷ نامه حبایخوری ۲۶ مهر ۹۵

رشع خروس کنگان با ایان بخشنده صعوه سرکم موسیچی کبوتر حام  
۱۰ ۱۱ ۱۲ چهل دیماه ۱۳۷۰ تهریه شد

خادبو مجدد ملکه نشانه مورمور چه لاله نیاشا کر کرم مشتاب بکی فضیل پیاز خود

و در همانجا موزان آبی ای سکه حوت نمک صفرع سرطان کشیدن با خرد نهاده شد

زوز نو پنصل شاردم در عضاد اجزا انسان بجهان جو حجم تبدیل کار قایل نالم  
چونکه هر چیزی که در جهان باشد از این دستگاه میگذرد

قد و قامت بالچار و حار و اح لحتم گوشت شنجم پریه چرم پست دم خون گز شهری شرمان  
دز<sup>۱</sup> جان<sup>۲</sup> آجع روح<sup>۳</sup> چم<sup>۴</sup> بیله<sup>۵</sup> نام<sup>۶</sup> مگ<sup>۷</sup> نام<sup>۸</sup> مگ<sup>۹</sup>  
با سین عظا<sup>۱۰</sup> تخوان غضروف عرض<sup>۱۱</sup> صبله<sup>۱۲</sup> این<sup>۱۳</sup> شعر<sup>۱۴</sup> موک<sup>۱۵</sup> کل<sup>۱۶</sup> جبد<sup>۱۷</sup> کلازاف<sup>۱۸</sup> جمه<sup>۱۹</sup> مجن<sup>۲۰</sup> کاچد<sup>۲۱</sup>  
ه<sup>۲۲</sup> ه<sup>۲۳</sup> ه<sup>۲۴</sup> ه<sup>۲۵</sup> ه<sup>۲۶</sup> ه<sup>۲۷</sup> ه<sup>۲۸</sup> ه<sup>۲۹</sup> ه<sup>۳۰</sup> ه<sup>۳۱</sup> ه<sup>۳۲</sup> ه<sup>۳۳</sup> ه<sup>۳۴</sup> ه<sup>۳۵</sup> ه<sup>۳۶</sup> ه<sup>۳۷</sup> ه<sup>۳۸</sup> ه<sup>۳۹</sup> ه<sup>۴۰</sup> ه<sup>۴۱</sup>

فرق سرای فرج کلمت اکنخانه مخرج بحیثه علی بحیثه بیشتر نکد و مزان سکنیاں پرسنال شدید  
سرای خرام مومن ادم کامد دامت ۲ جمیع کارگران

شروع شد و مدتی پس از آن میرزا خان را در ۱۳۷۰ خورشیدی در شهر خوشاب که در استان سمنان قرار دارد، به قتل رسانید.

زجاجیلندینی پر ہمی دلواری منحرن اونگ کوش زرمه کوش قبناکوش طاہریں ملکہ کوش



خند و قریقه غمزه ایمایی ریز نماز پرلو بگردشید عشوہ انداز طارز از خعل آبرو غم جوشان نازه هستاد  
هستاده هلاک هستاده سه نمازه روشنی ده سه ده دکاره

خیازہ ملکی ملک فواد قصر رہ خلیل عثمان نمک خال نبوب ائمہ دین و مدار و تجسس ایں  
۲ پنجوں ۲ پھر پرسے ۲ سا ۲ بھوڑا ۲ بھول ۲

اسما لجصی شاید که از احیام انسان و حیوان می باید غالباً طریق زنگنیز را باعدهن ضرط

تو زنگنه نهیں میل چکر فصل احمد در عصی حالات اہل موجوداً

ز مقدمات کائنات خوشی خرمی بنشاشت نشاط اینساو فرحت راحت طریق رور  
خوشش

میر درست افزایش انتشار خواسته است تا فریغ غنیمت شادمانی پیشرفت بچنین

هزده نویصارکی فرخه فرخنگی مهندسی جمیعت فرااغتن جنگل نوک  
۱۰ ۲۰ ۷۱ ۹۳ ۲۳ جمیعت سوداگر جنگل

سلطان شکوه قدر مترکت بہت مرتب رفعت مکن اقبال احلاں تک مرعت  
شکوه (۱) مذکور (۲) خوش (۳) ملذ (۴) بزرگ (۵)

شرف طهائیت ملاحظت صراحت و حجابت اطلاع بدایت امیده اراویت اراده خرم  
به شنیده نفرخ روزگار

فندق احجزت حکم فرمان هسرا به تهدا خاموشی را سئی ناراسنی در نوع باطل کنید

کار و نیافرود ای اخواصه مجذوب خواهیم بود

لَهُ بِنْزَانْ وَ لَهُ بِنْزَانْ وَ لَهُ بِنْزَانْ

عدالن شجاعت نہور حلاحت تخلد فراغت صیراعت عفلت عطرت ہو موس حصہ  
الضاف کردن بیٹا ۲۳ ۱ بندگے ۲ بیکاری ۲۴ دستی  
لینہ عادت عناد حقد غبیط بغرض انتقام اشغال عنایت شفقت مہربانی  
۲۵ ۳ ۵ دلکش ۱۲ مہربانے

نوازش تقدیر دستی محبت مودت استخاد و داد دلایل احتیاط و فاقع هر خلاف خلاص عتماد  
دستی ۱۲ ۳ ۵ ۲ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴  
عتماد ششم عرض خون هرس زرس بزم عبرت با لقصن عذر کارکمان هلال آزر دگی گفت

۱۴۵  
ام عزم و نجوت سخن خود بینی خود پرستی کششی استکبار سترالی رعونت سر صحی حمی  
۲۱۶

بجز اسکا جو مباحثت فول عہد ہے میں قرار اقرار انکار عذر اعتذار پر ایام  
حاضر سے ۱۴ نومبر ۲۰۲۳ء تا ۲۰ نومبر ۲۰۲۳ء

نیام سوال جواب نشانید آن فرن چند ناس تایش بدح لعن معرفت پذیرد  
۹۸

صیخت و عط لضایع اخواهی نون جادو سحر مکر کنیز و پرند بر علاج صوابدید آسان  
لطفیجه ۲۱۳ تدبیر ۱۲ مصلحت ۱۲

جبل شوار مدخل محال عجلت بتحليل توقيت إهمال العدل بـ تباون تعاقف مبرتا خير و زنك

نیاشت زوستاب ناکریل قیمت خود عرض فاصله سو لفظ منافع زیاده حسارت ضرر  
کاله ۱۲ صدر زوستاب ۱۳۳ ه ۵ زیانها را

صل مخصوص خواهی دخل خبر به بعثت خوبیه در ویزها ذخیره گشته

لشک اسناد فهرن بسیار بیار حفت اصحاب سامان کرا آیده گرد و هم نقد نسخه قرض معده  
۲ دنیز ۱۷ کوهیان برت، اسباب ۱۷ پوچنی ۱۷ درسته های بیار فرض، باجو  
قرض حسن مصادره تاوان جرمائی فتحت تخفیف موزونه وزان موازنگران گران  
فرض مبلغ سود ۱۷ دارند ۱۷ ۳ بهاری اذانه ۱۷ لول ۱۷ مهندگان  
سینک ارزان سیر من موزان فرق تقاضت فاصله دو رز زد که عنعت پر کرده  
ستاره ۱۷ لی ۱۷ مون ۱۷ پیل ۱۷ آن ۱۷

میل فرینگ امنیت حکومت خیک حدیث حرب محارب داریز زم مبارزت  
۲ وضد کهارت ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ پهانی

از زمین‌های فصل‌الزیگر عکس شمارکیب دوسته چهار سنج پیش‌عیت می‌شود  
نه عده‌های سه بیان می‌کند که از این‌جا برای تصریح می‌گردد

پا زده دوازده سینه راه پانزده شازده هفده هجده لوز و هشت بست و یک بست و دو  
رمله سله سکه نیم که هفتاد و هشت هزار و نهاده نواده عده نیم میلیون

سی دیگر سی دو سی و سی دچار سی هج سی شش سی هفت سی و سی و سی پنجم

چهل و یک چهل و دو چهل سه چهل و چهار چهل و پنجم چهل و شصت چهل و هشت چهل و هشت چهل و هشت چهل و هشت  
پنجم چهل و هشتم چهل و هشتم

پنجاہ و کیک پنجاہ و دو پنجاہ سے پنجاہ میں چار پنجاہ فتح پنجاہ و شش پنجاہ و سیفیت پنجاہ و شہر پنجاہ

شصت شصت دیک شصت شصت دیو شصت و چهار شصت و پنج شصت و شصت

شصت و شصت شصت و نه شصت و نه شصت و یک شصت و دو شصت و سه شصت و شصت

شصت و شصت شصت و شصت و شصت شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت

شصت و شصت شصت و شصت

شصت و شصت

شصت و شصت

شصت و شصت

شصت و شصت

شصت و شصت

شصت و شصت

شصت و شصت

شصت و شصت

گو تو ای عسکر خواجه مولی مولی بندہ علم کنیر پریور خاتون دانابنیا کو اعمجی نابنیا  
شیخ صاحب عالم باز کے بے ایڈم مہما  
حشم کیم گنگ لانک شل کل دلگیر محسوس شرمنگر سندگار فصل استہم و سکا  
بہر کنگ لانک دلگیر محسوس شرمنگر سندگار فصل استہم و سکا  
واہل حرفہ کار و ایں بزرگان میر سید شیخ مغلہ هزار افغان زمار وار تعالیٰ دفو  
۲ سید شیخ مغلہ هزار افغان زمار وار تعالیٰ دفو  
میسوہ و من تر مهروش سبیرہ فروش معلم حکیم طبیب دیوان عین شیخی قائم کوئی باعثان  
یوہ فدویں ۳ بھر ۴ بیان ۵ بھر ۶ دیوان ۷ بیان ۸ بیان ۹ بیان ۱۰ ملاد  
کدلو پر سفید باغ نوزیاب صرف نساج بات نداون حللاج عطار روغن گز رگر درود گر  
جو ۱۱ بیان ۱۲ ستارشند و دیوبھ ۱۳ سو نار ۱۴  
خبار سماں عراطی حمام گنگر کا زر و صاد ملائکہ پریور گمان گر صیقل گر چونہ گر کلان خشت پر  
راج ۱۵ نامہار ۱۶ دھون ۱۷ سندھ کنہشندھ ۱۸ کمان گھر ۱۹ کلام ۲۰  
میغروش چڑی فروش شیخ گرامی گیرلاج زاز گنگر زخمیہ دوز گلخن افراد خرم دوز  
منہار ۲۱ پھملی وال ۲۲ چینی دوز ۲۳ پھر ۲۴ جو جو جا ۲۵  
شتر بان ربان و صاد بیولی سنگتار اسٹھکاں سکاں سلطہ بیتی طباخ بان ۲۶  
انٹ ۲۷ پان دوش ۲۸ پان دوش ۲۹ ۳۰ ڈرم ۳۱ نان پز ۳۲  
زکونش ۳۳ دشائی کافدی ویضی ویکم و رسمار پکا ۳۴ لست قریب ارد دو ۳۵  
کانڈس ۳۶ کانڈس زنگو

خاندان خان خسرو شاه مخصوصی حسره خویش شاهزاده نماینده کی داد بحال اخراج خانی افغان  
سردار ساس ۱۲ سال ۱۳۵۰ ناپل پیر پاریس  
این پارادیز را در دختر صهیونیست لیکن فرزند خان ایرانی تامشیرزاده خواستاد و همراه  
شمس

حضرت خانه فاسد حده فاسد شوی شوهر صاحب خانه اهل خانه گلیل سنته ایور اویزون  
داراد و داد نانه  
حضره اباناع زر و دستگذره سهر لک بزرگ برادر شنبی امیر صنایع تعاونم سهر خاله خاله  
سون سون ساره  
وصول لسبت و دوم در سهار شادی شادی تولد فرزند شادی طوی شادی

## شادی کلتب شادی لشنت شادی کار خیر شادی کنخدا لی فصل سیزدهم و سیزدهم

بعنجهای کتاب ب مراد است از نام آن مقام که در انجا طفلان سنجو مند»  
در سامی آشیا آرالین مدلی از زلپور و خیره سرمد توتیا دوده خانه گلگلوں حناز پور راه

حیلهٔ خلقو بی کوشواره مرسلہ پارہ بازو بند الگنتر سے خاتم فض خان مسکان زنگوہ عزہ  
شناخت جملہ نام زور کے دست دار شد

سماں پوشکاں دعیہ کوت بکو شش نباش لفیض خلعت حامہ ستار پر عین عالم  
باش ۲۱۲ ۳ ۲ ۳ پر فرستے

ماج و پیرم فسر کلاه خرقه قبا عبا دلوں گول کریاں جیسے تین رہن کھنداز از بند  
لطف کیل ہم سخن نام بست ۱۲

چا در پرند شوار پانچا مسیرویل تند پارچه کر پاس لک غضن با ریک شفافن کلیم با پوش  
پا بجا مه ۱۰ س نگه ۲۰ س پلا ۳۰ مهین ۱۵ کنبل ۱۰

مشروع بافتہ صریر پیلیں کان رسیم رسیم سفرلات پلاس علوج نہضن پخت

تھلکن نپنہ ملاس چرم پوستین اسما در نگ زنگ لون سرخ احمد جمیر خضر

**فصل سی و چهارم در سماویلات که صنیع خود ران مستند کرد متعین خواسته  
بیهوده ایزد**

برنج نخود مخصوصاً لی شکوئی ماش با چهاره جاده سطحی جوند رجرت قلن عده مسکن  
پادلی ۲ دان ۳ ماش ۴ برج فینا کهادلی ۵ خوار ۶ بوبیه ۷ مرد  
بنگ ماش زعیر کال از زمین شماح که خدمت سرمه کو در مسامح مخصوص هر خرسکد زنده از نهر  
کنان ۸ چینا ۹ مندو ۱۰ کوداون ۱۱ سازان ۱۲ چنود ۱۳

زهار و جوشیر بوس تحاله فضل سبت و چشم در هما و طعام و غیر طعام  
سالی

گردانی می‌کنند و شیرینی را بخواهند

چنانکه نیز فضول ب و ششم در سامی آلات تحریر و غیره روح قلم خانم کلک کاغذ  
بجز ده گرداند

قرطاسی دستیاری نهادن کار فلکه مترش کردن خالی سیک و نیش سوزن فراغت همراه

سندان شاهزاده بر می دیگر بجهة معارض تقاره کوئنسر ملک

## فصل بست و قم در سماوی مصروفات طناب عرضه جبل صامتخ چران

مصباح فرید شمع محل کلیده قاری مفتاح تقل عراوه غربال پروین آسیا باکش  
 بر سر ۲۰ تا سر ۲۱ ناله، الدخک خود روز از چهلی ۲۰ پنجه ۲۰ پنجه  
 با پیوند بازی و سیگان پراغ کانون کزان بخیر قلب به خوار دوک، قطار جوال  
 بشخ ۲۰ چولان ۲۰ بسته ۲۰ کردانی کهودو ۲۰ نلاه، جاهسا

خردا زخمک جاروب پاچک شستی احک صحرائی کفعیه میزان پله شاهین دلوها و دن و  
 گون ۲۰ مشکره ۲۰ ابلانگل کان ۲۰ دوست ۲۰ پلوا ۲۰ دل ۲۰  
 دیگ هند شعالک راقفس گردول بایپ مشکنه ۲۰ کیک مشکره ۲۰ فلاخ منجع مجهر ممنعل قیا  
 لکشی ۲۰ بی پوکان ۲۰

جوس ناقوس جلاحل غرافشان با دیا موچک میعنی فصل بست و قم

زشویه ۲۰ گهنه ۲۰ جان بجهه ۲۰ چنان ۲۰ توچان ۲۰

در اسماء طریف و خیره نسم آندخوان سبوم حل طشت بوجچه کاپیار به  
 بزن ۲۰ بمنا ۲۰ خان بخوار ۲۰ توکو ۲۰

صرامی ساغر حامی چانه کیل هن کلای پیش ۲۰ فصل بست و قم در سماوی مصی و مر

پاده ۲۰ هن هن په کلای پیش ۲۰

ک مضرست ۲۰ دیگن بخیر فیل قطاشتر قبصه کان جلق کان فیضه شیره صرب

آئی چارت ۲۰ سگیار سگد امی نویست لفظه دژادش کوچه بخاره ۲۰

ضرب توپ در هیکله ضرب جزار و مانند آن فتل هراوه اصل سی ام در سماوی مصی

تیار ۲۰ سویی زین ۲۰ نوار ۲۰

دو از مات سکل ح دشکار و خیره خجور شده شمشیر حسام شمع سیف ام

دیگر ۲۰

و افقاً عالم نیزه هنگ گز نسان کمان فس تر خنگ پکان سپه مخرب جمهور شنچان  
 نیزه بندون گز دا بهار ۲۰ نام نیزه  
 نزه خود رک نایج تازه پایه مقرر عده فربان چوب دستی بین قبض مفصل همی دلم و  
 لاده اینزه نیزه خندوانه مکان چوی لاهیه نام تپاره  
 آسمار گلش و صبرنیات و سجا بر صیره و فر کاری عصیره بوستان  
 حد لقہ دو حمه رو صد کلار پا ص محبتان نویں همیزیان نیزه مر غفار و خست  
 نخل کامبیان سرو داصل حمول نیزه فرع گک تر تکم رشید شلوذ نخواز کارکل بر خرمه  
 در ف نوزد ۲۱ جریه بسیع اصل  
 چوب عیلان درخت لزان چون مار طب نیمه شنکر کی گک چلف گل مصفر و سما  
 بول ۲۲ بیدخوا جامن و چهاراد ۲۳ گزه ناره کشم پول ۲۴ نهاده  
 نمیوه حبات خرماء طب دجل نیخور زار ناشپانی نیخیش موز بادامه و خرد ۲۵ دا  
 تر بر سند و آن نزد کی تر بشاعم نیزه هفمانخ گرم علیه قفل آسمار مصادر  
 تر بوزه لاجه و ملایه ساله ۲۶ پنجه نیزه  
 دصل نزد چوب پیش زی فاولد کیا قافله صغار قر لعل فلفل دار چنی فلفل دراز  
 چیزه هد سه هسن ۲۷ الایچی کلان ۲۸ الایچی خود دویگه ۲۹ بیخ نوزه  
 سکوزه آسمار چند دویکه مهر و ف نست شرب آمار شرب ذوق  
 پنگه ۳۰ بیخ نوزه پیچه و میخ نام دویگه ۳۱ نام دویگه  
 ره عن ما دام احمد نادخواه خارسک عسل نیمیز نیخه سکن خبرن ۳۲ چوز بو اکا سپنی بند

عین الشغل بکوه باریان خردل صبل هرسون غنایع رب بوس کلقدن بھی دانه آمار و لش  
کوه (۱) سونف (۲) راسه (۳) پودناه (۴) عرق (۵) بحمد الله (۶)

لیلک زر و پهله سیاپه کلچی علیله پرسایشان تهرمندی امیر بیل علیکشان و پیشان  
گزندوی هشتم شیاه ۱۲۵ نام و دوازده سویه سیاپه ۱۲۶ سوره

مترف فلک نیز شه عنا ب تخم میارین گل سرخ سناری می طباش تیرزی و سپید زر که کسما  
می خواهد خود را در آن نمایم برآورده است. لایکے پهولی، بندوقی و حربی  
فصل سی خدم در سامی بعض شیار ضروری میگانی گل خاک عبارگرد و کلخ  
ای دز نام، زنها گو از ز من غلق دارد. می

توهشک محجر جواہر شاپیا سان قوت لعل زمر دنقرہ سیم فضنه مس روئیں اشرقی در  
بہتہر کے درز روز دوستے سکار بیرون ندا آز کوئی سند کاندھا خلقت  
طلای زر و پنیہ بلع مرادی تیکہ فلوس حصہ آنکر زہ خوشہ **فضل مسیح** مم در سعاد  
عندزادہ بہتہر شہر کے کڑا مس

اشی اتشن مار و خان دو دشواره شر شعله ز باده زگال بخشش خاکستر سمندر جز ب  
دو میان ۱۰ چکار سے پڑ کا ۱۰ کوپیلار

فضیل سُی‌جهارم در سما، خلقت ایل و آلات که از و تعلق دارد اب ماربارن  
پا پرده اسلامی مسیح سیخی او از زیر

بارش میخ اپنے طریق سے بڑا ہے جو عمان گرداب دریاچہ طلخہ جو سے رہے  
بڑا ہے جو عمان گرداب دریاچہ طلخہ جو سے رہے

۱۰۷) ملابس پیش از میانه همچو عصا و کله هایی که نیز در اینجا مذکور شده اند، باید  
۱۰۸) در بازار میانه همچو عصا و کله هایی که نیز در اینجا مذکور شده اند، باید

سیل سلیب و لایت بگز را لستکنی صد فن گل لار عزمات و حمله حباب

پیشنهاد مدرسه مردانه مولویان اسلامی کوکنی خدیجه نلک مایسیو هم در بیان فخر علم  
مشتمل است.

اینادن از روی فشار ایندیکاتر مخصوص آردستن نمیخواهد و بخوبی آن را در مهندسی میتوان ایندیکاتر مخصوص آردستن نمود.

از شهدان اندودن نباشند هر چند مالک آنها بوده است هر دوی از شهدان را پسیده برآمد

جگانہر لکھنؤ

بُرُورِون بُوده بِدَل بِز جَاسْتَن باخْتن با برِيدل بِهَمْدَل مَذَن با فَلْتَن با بِدَل بِالْمَسْتَشْن بِز

کاشا، بگنا، باخیان، بُرغا، حرن

لایه فارسی خیلی مان پوشیدم که نمی‌شون بیرهستن تهر فخرم بودم بلطف



فرسون مایل بکان کو فتن کند می کاشتن کشادن کن کشتن بکشیدن لان  
گهستا<sup>۱۰</sup> کو هم<sup>۱۱</sup> ته و نان<sup>۱۲</sup> سهون<sup>۱۳</sup> مایل بکان فارسی خفت  
که فتن<sup>۱۴</sup> غما و میر<sup>۱۵</sup> کا هم<sup>۱۶</sup> کشودن بکشیدن کندن مایل بکان

گر خیتن گردیدن گردانیدن گزیدن گرسین گه اخضن گنجیدن کنجانیدن گذشت  
گذشت گردیدن گرفتن گزاردن گزیدن گساددن گسترون گستین گشتن گشتن

خوازیدن مایل للاه مرزیدن نغیریدن لا فیدن هم پیشیدن لایدیدن مایل  
کشیدن ماندن مالیدن مردن مانستن مایل لفون نظاون غشیدن بخون  
بجوسنا<sup>۱۰</sup> مرتباو<sup>۱۱</sup> رکهنا<sup>۱۲</sup> شستن  
نوشتن نگرسیدن نخون نشستن نهختن نوپیانیدن نوشانیدن نوچلن مالیدن نون  
لکهنا<sup>۱۳</sup> بپشتان<sup>۱۴</sup> بلکهنا<sup>۱۵</sup> بچانا<sup>۱۶</sup> حضن<sup>۱۷</sup>  
نوزدهدن نازعدن ناصیدن نگاشتن نمودن مایلوا و درزیدن درزیدن رای  
لپیدن<sup>۱۸</sup> هزارکردن<sup>۱۹</sup> کرنا<sup>۲۰</sup> خلثان<sup>۲۱</sup> باقتن پستن  
در غلامیدن مایلها<sup>۲۲</sup> داشتن پلیدن هریدن مایلها<sup>۲۳</sup> باقتن پستن  
سلكتا<sup>۲۴</sup> هملکا<sup>۲۵</sup> بازنا<sup>۲۶</sup>

ازین نظر لغی که مخصوصاً تقلیم می‌اید بگوی صاریف نامی مصادر اینجین طبق  
سندیان هنوز نداشته باشند مخصوصاً مطلع از آمدن وابن ما

ماضی محبر در سهم گویند ام ام زاده ای آمد باید هم مد هم لصرف یا صنی و پر  
آمد داشت آمده اند زاده اند باید هم آمده باید هم لصرف یا صنی و پر

**ماضی تناولی** و این را مشترک بجزئیاتی می‌نماییم که در میان ماضی تناولی  
و این را مشترک بجزئیاتی می‌نماییم که در میان ماضی تناولی

حتماً لی و این امروزه نیز ممکن است باشند که باشند آمده باشند  
بگویند شک و خود تقدیم نیوکلار

تصrif مصناع آنند که آنها مصرف هر چیزی باشند که  
با نیم تصrif نباید و میتوانند با نیم سهم فاعل آنند که میتوانند  
آنند و آنند که میتوانند اینهم محفوظ آمد و شده کانند شده  
باشند. آنگاه اینهم محفوظ آمد و شده کانند شده  
آنند که آنهم بدوست که جمله این مصناع خواهد بیان شد این که هر چیز

دسته اول از سر برقراری گرفته مجمع نامیران را صرف سینمای نامند  
صفر آمد امده است آمده دو مردمی آمده امی آمده باشد می آید خواهیم آمد آید فدا

آمده بود می آمد و مانند می آمد خواهد آمد رسماً ایند ها آمده شده در لغت از عینی  
ماضی بهیده، ماضی ندانه بمعنی ماضی متعالی است که قدرت مقصود است، لفظی آن «ام تفویل» است.  
که لغت از عینی مقصود است و عینی جمع لغات از عینی مقصود است که صرف آن  
صیغه لغتی نگردد و نام نادار نام می نیازد زیرا ماد مضمون بعد از تشریح صیغه او نداشتن  
و لکمات است که در صیغه که شامل شوند معانی مطالعه مضمون مختلفه مجموعه صنعتی از  
از آن می باشد بیان لکماتی که در آن آنهم بطور مکرر شود و سرکاری از آن فنا فاظها که بآن مشتمل  
محضو صنایعی می باشند معین، الفاظ مخصوص را تی نباشند می صنعتی فرضی  
استند ای ایدا ام ایم ایضاً الفاظ دیگر که از افعال متعددی علاقه دارند پس شده  
شده می شدید شدم خذیم الفاظ محضو صریحی نبایی ماضی بهیده  
خواهند بود، هرچهار بودیم بودیم،

بودند بودی بودید بودیم بودیم لکمات اثبات است که زمانه حال تعلق دارد  
است مستندستی استند پسته استم الفاظ مخصوص را تی می عینی خواهی  
استخبار از خواهند خواهی خواهید خواهیم خواهیم الفاظ مخصوص را تی نبایی خواهید

پرسیده،  
اعذری باشد باشند باشند شید بزمیم یکم صیغه طایی متریپ و شوند شوی

شوم شویم بیان لکمات متفرقه از اگر اگر بر در در چگونه چهیت چند چندان

بندهم چندین آن اینکه آنها اینها او او شان ایشان از آن از آنها از آنها از آنها

از اشان اینجا انجاز انجام کمایی از کم کس شان خود نکبر آنکه من باز و شما هم گذاشته باشید لایم